

درام سیاسی ضد جنگ طعنه آمیز

شان پن، بازیگر ضد جنگ سینما برای تازه‌ترین کار هنری خود سراغ رسانه تلویزیون رفته و در مجموعه ضد جنگ «گرفتار» بازی می‌کند. این درام پرتنش با نگاهی طنزآمیز به بررسی رویدادهای جنگی مهم سال‌های اخیر در کشورهای مختلف دنیا می‌پردازد. نکته جالب و مهم در رابطه با گرفتار این است که تهیه‌کنندگانش استرالیایی هستند و آن را برای پخش در این کشور آماده می‌کنند. ظاهرا دلیل انتخاب پن توسط سازندگان گرفتار برای حضور در مجموعه این بوده که بتوانند تماشاگران بیشتری را جذب تماشای آن کنند. نکته جالب‌تر این‌که شان پن در این درام سیاسی در قالب شخصیت خودش ظاهر خواهد شد.

شرکت فیلمسازی استریم استرالیایی استن که تولید مجموعه را به عهده دارد، اعلام کرده آن را برای پخش در بهترین فصل برنامه‌های تلویزیونی آماده خواهد کرد. البته تماشاگران تلویزیونی و دست‌انداران درام ضد جنگ برای دیدن این مجموعه باید تا اواسط سال ۲۰۲۳ صبر کنند. گرفتار در شش اپیزود تولید می‌شود و بیشتر یک مینی سریال به شمار می‌آید. خط اصلی داستان مجموعه در ارتباط با چهار سرباز و افسر استرالیایی است که برای انجام مأموریتی محرمانه به یک کشور جنگ‌زده فرستاده می‌شوند. در داستان این مجموعه مشخص نیست کشور جنگ‌زده کدام کشور دنیاست اما گفته می‌شود یکی از دو کشور عراق یا افغانستان باید کشور موردنظر باشد. در این مکان است که اهالی، این استرالیایی‌ها را با آمریکایی‌ها اشتباه گرفته و نیروهای ارتش آزادیبخش کشور، آنها را به گروگان می‌گیرند.



ویدئویی که از این چهار نفر گرفته و پخش می‌شود، خیلی زود وایرال شده و توجه عموم را به خود جلب می‌کند. استرالیایی‌های گرفتار شده نمی‌دانند چه عاقبتی در انتظارشان است و تبدیل شدن‌شان به چهره‌هایی سلبریتی، ممکن است چه عواقبی برای‌شان داشته باشد. شان پن در داستان این مجموعه در قالب شخصیت خودش ظاهر می‌شودکه می‌کوشد راهی برای آزادی این چهار استرالیایی اسیر پیدا کند. نزدیکان به پروژه از آن به عنوان اثری ضدآمریکایی اسم می‌برند که نشان می‌دهد چگونه ممکن است افرادی بی‌گناه به ظن آمریکایی بودن یا در سرب‌هایی غیرقابل تصور روبه‌رو شده و حتی جان‌شان در معرض خطر مرگ قرار گیرد.

کیک گاری، بازیگر و فیلمساز استرالیایی که سابقه کار در هر دو رشته سینما و تلویزیون را دارد و تماشاگران او را در درام علمی – تخیلی «لبه فردا» دیده‌اند، گرفتار را براساس فیلمنامه‌ای از خودش کارگردانی می‌کند. در عین حال، او بازیگر مجموعه هم هست. متیو فوکس، بازیگر سرشناس استرالیایی هم یکی از نقش‌های اصلی آن را به عهده دارد. گاری طرح اصلی فیلمنامه‌اش را با نگاهی به تعدادی از اخبار رویدادهای جنگی چند سال اخیر نوشته و می‌گوید: «حال و هوای گرفتار تا حد زیادی شبیه درام طعنه آمیز و ضد جنگ معروف دهه هفتادی «کج ۲۲» است. مایک نیکولز هم در آن فیلم به هجو جنگ و بی‌معنی بودن آن برای مردم عادی پرداخت و نشان داد جنگ پایان چگونه مردم عادی را قربانی طمع و اهداف غیرنانسانی خود می‌کند.»/ورایتی

موقعیت‌های درخشان در یک سریال

فهیمة سلیمانی، نویسنده سریال «خوشنام»، درباره دغدغه‌های نویسندگی می‌گوید: سریالی خوب و موفق محسوب می‌شود که با انرژی بالایی آغاز شده و بایک موقعیت درخشان وغیرقابل پیش‌بینی به پایان برسد. متأسفانه اکثر آثار نمایشی ما قابل حدس هستند.



«آب و آتش» روی دریاچه

مخاطبان و همراهان مسابقه «آب و آتش» باخبر باشند که سری سوم این مجموعه در محوطه دریاچه شهدای خلیج فارس شهرستان مقابل دوربین رفت. این مسابقه با مرحله عبور از موانع و... با داوری علیرضا احمدی وارد رقابت‌های پرجالبش می‌شود.



خاطره بازی با ناوارو

مجموعه پلیسی «ناوارو» را به خاطر دارید؛ همان که با صدای برص‌لخت زنده یاد پیرام زند، سال‌ها پیش شب‌ها روی آنتن شبکه یک می‌رفت؟ اگر از طرفداران این مجموعه دیدنی هستید، می‌توانید آن را از شبکه تماشا دنبال و خاطرات آن سال‌ها را مرور کنید.



گفت‌وگو با مازیار مهاجر، تهیه‌کننده برنامه «سلام تهران»

مطالبه‌گری برای اهالی یک شهر

حتما افرادی را دیده‌اید که هر روز به محض بیدار شدن عادت دارند تلویزیون را روشن کرده و برای اطلاع از اخبار روز و مرور روزنامه‌ها یا ایجاد نشاط ابتدای صبح، بیننده برنامه‌های مسیگاهی شوند. به همین دلیل ساخت چنین برنامه‌هایی و جذب مخاطبان کار ساده‌ای نیست و نیاز به تخصص، تجربه و شناخت مخاطب دارد. با این حال همه شبکه‌ها سعی دارند با توجه به خواسته و سلیقه مخاطبان خود برنامه‌های خوب و جذابی تدارک ببینند. یکی از شبکه‌هایی که سال‌هاست برنامه مسیگاهی دارد، شبکه پنج و برنامه «سلام تهران» است که یکی از برنامه‌های برجسته این شبکه محسوب می‌شود و سال‌هاست هر فصل آن با تیم‌های مختلفی روی آنتن می‌رود. از جمله مجری‌ها و تهیه‌کننده‌هایی که هرکدام‌شان با خلاقیت و ایده‌های نویی که دارند، عوامل این برنامه را تشکیل می‌دهند. فصل جدید این برنامه به تهیه‌کنندگی مازیار مهاجر و علی شعبانی به‌تازگی آغاز شده که با تغییراتی در آیتیم‌ها و مجری‌ها همراه بوده است. جام‌جم با مازیار مهاجر، گفت‌وگویی درباره این برنامه داشته که در ادامه می‌خوانید:



زینب علیپورطهرانی
گروه رسانه

یکی از اتفاقاتی که هر تهیه‌کننده‌ای به محض ورود در این برنامه انجام می‌دهد، تغییر مجری و البته تعدد مجری‌هاست. کاری که انجام داده‌اید. به نظر شما تعدد مجری برای یک برنامه یکی دوساعته لازم است؟ آیا باعث جذب مخاطب می‌شود؟

ما در این برنامه چند مجری ثابت و برای بخش‌های تخصصی مثل بخش میز ورزشی مجری جداگانه‌ای داریم. آن‌هم به این دلیل است که نیاز به تخصص بیشتری دارد. ازاین رو باید فردی آن بخش را اجرا کند که به تمام جزئیات آن حوزه آگاهی داشته باشد.

از آنجا که همه شبکه‌ها برنامه‌های صبحگاهی دارند و می‌توان گفت اغلب برنامه‌ها به همدیگر شباهت دارند، شما فکر می‌کنید چقدر برنامه‌تان متفاوت از بقیه است؟

ما سعی کردیم در فصل جدید تغییراتی ایجاد کنیم؛ ازجمله این‌که با تیم‌های تولید و آیتیم‌سازی که به هردلیلی تا امروز نتوانسته‌اند در تلویزیون فعالیت کنند، همکاری می‌کنیم.

چطور توانستید این افراد را پیدا کنید و این‌که چطور گزینش شدند و شبکه‌در این مسیر با شما چقدر همراه بود؟

ما برای این کار فراخوان دادیم. خیلی‌ها اعلام همکاری کردند و کارهای‌شان را برای ما فرستادند اما سعی کردیم آنهایی را که توانایی بیشتری داشتند انتخاب و دعوت به همکاری کنیم تا برای برنامه آیتیم بسازند که تا امروز

درنگ+

افشای دروغ شبکه‌های فارسی زبان

مازیار مهاجر، تهیه‌کننده در پاسخ به این سؤال که یکی از آیتیم‌هایی که مورد توجه مخاطب قرار گرفته بخش نمایش طنزی است که اجرا می‌شود. در این بخش هم شنیده‌ام قرار است تغییراتی ایجاد کنید و طنز انتقادی داشته باشیم؟ می‌گوید: دنبال به روز بودن و متنوع‌تر کردن این بخش هستیم. به عنوان مثال در این بخش می‌خواهیم دروغ هفته را بگوییم. یعنی دروغ‌هایی که شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای می‌گویند را در قالب نمایش طنز بیان کنیم.

نگاه

زینب تقوایی، تهیه‌کننده:

دنبال نوآوری در لوکیشن‌ها باشیم

این موضوع تا حدی درست است اما به‌عنوان تهیه‌کننده باید بگویم بارها پیش‌آمده که ما لوکیشن‌های مختلفی را طراحی و چیدمان کردیم ولی کارگردان توان بهره‌برداری از آن لوکیشن را با توجه به زحماتی که برای طراحی یا پیداکردن آن صورت گرفته بود نداشته است. مثلا پیش‌آمده که یک لوکیشن سخت یا بکر مثل یک کارخانه را تهیه کردیم، تمامی عوامل را به آنجا بردیم که به لحاظ مالی و زمانی هزینه بسیاری برای‌مان داشته ولی کارگردان نتوانسته از آن لوکیشن به نفع فیلمش استفاده کند و فقط از صورت بازیگر کلوزآپ گرفته است. خب اگر هدف چنین چیزی بود می‌توانستیم این تصویر را در یک سوله یا در دفتر کاری خودمان هم بگیریم.

او در ادامه افزود: وقتی ما یک لوکیشن خوب را با تلاش بسیار فراهم می‌کنیم توقع داریم خروجی کار هم درست و حسابی باشد، چراکه یک بخش بسیار مهمی از انرژی عوامل صرف هماهنگی همسایه‌های آن منطقه شده است. جدا از این بسیاری از کارگردان‌هایی که کم‌تجربه و



تازه‌کار هستند معمولاً برای اجاره یک سری از مکان‌ها برای فیلمبرداری مثل «کاخ‌گلستان» یا فشاری می‌کنند، ولی بسیار دیده‌شده که رفته‌رفته متوجه می‌شوند که لوکیشن‌های بهتری وجود دارد که ما در آن آزادی عمل بیشتری می‌توانستیم داشته باشیم.

حتما در برخی سریال‌ها و فیلم‌ها با لوکیشن‌ها و فضا‌های تکراری مواجه شده‌اید و با خود گفته‌اید این لوکیشن، خانه فلان بازیگر در فلان سریال نبوده؟ دلیلش هم این است که گاهی بودجه و گاهی هم عدم مدیریت درست تولید و عدم شناخت گروه تولید از فضا‌های تازه باعث می‌شود ده‌ها سریال در یک خانه فیلمبرداری شود.

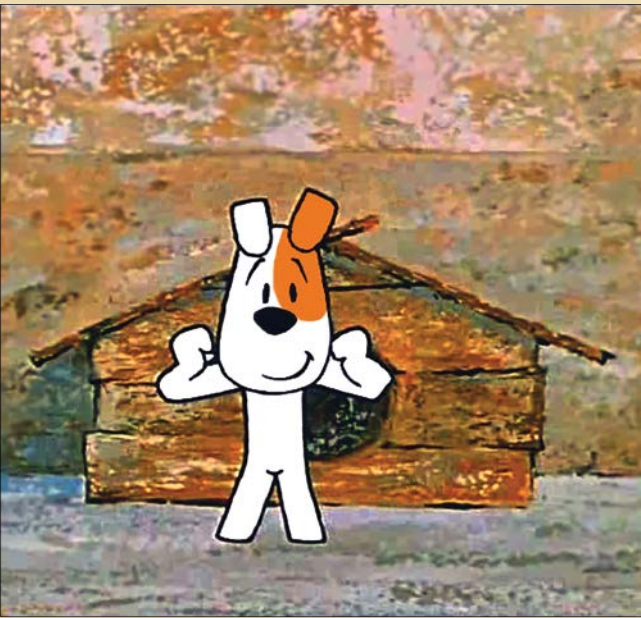
در این میان زینب تقوایی، تهیه‌کننده سریال‌های موفقیتی چون: مدینه زیر پای مادر و دوکش نظرات جالبی در این خصوص دارد. او می‌گوید: به خاطر فیلم‌ها و سریال‌های متعددی که در این سال‌ها ساخته شده اکثر لوکیشن‌ها لو رفته‌اند. گرچه تعداد این لوکیشن‌ها بیشتر از سابق است ولی بازهم محدودیتی‌هایی در این مورد وجود دارد که باعث می‌شود آثار تکراری شوند.

تقوایی در خصوص اهمیت و تلاش خودش به‌عنوان یک تهیه‌کننده در این امر بیان داشت: به‌عنوان یک فیلمساز همیشه سعی داشتم تا در تمامی بخش‌های فیلمسازی مخصوصا در بخش لوکیشن‌که خیلی پراهمیت است نوآوری داشته باشم. استفاده از لوکیشن‌های ناب و متنوع زیبایی بصری بسیاری را به وجود می‌آورد. البته اهمیت لوکیشن در سریال‌سازی به‌مراتب بسیار بیشتر از ساخت کارهای سینمایی است. وی با اشاره به لوکیشن‌های محلی دوشار ساخت سریال در محیط‌هایی که مردم در آن زندگی روزمره دارند به برنا عنوان کرد: یکی از موضوع‌های



یک سوله و فضای بسته اجرا شد. وی درباره ضبط میدانی تله‌تئاتر کاتب‌اعظم توضیح می‌دهد: ضبط در فضای باز باعث سختی کار مضاعف بود. فضای کار ما در خاک و صحرا بود. همچنین به آفتاب روز به دلیل موضوع عاشورایی و نمایش طهر عاشورا نیاز داشتیم اما درعین حال صحنه باز به ما کمک کرد تا یک تله‌تئاتر تلایویی مواجه نباشیم. یکی از مشکلات ما در اجرای این کار این بود که در تیرماه شروع به طراحی دکور و صحنه کردیم و گروه‌ای شهپیار و وسط بیابان که دما حدود ۵۴ درجه بود، ما باید زمین را آماده می‌کردیم. از طرفی گرمای هوا در طول روز آزاد‌هنده بود و در شب هم با پادهای شدید و بارندگی مواجه شدیم که بسیار آذیت‌کننده بود. چندین بار خیمه‌ها و درخت‌ها را برپا کردیم اما زمانی‌که صبح به لوکیشن فیلمبرداری برگشتیم با این صحنه مواجه شدیم که باد خیمه‌ها و درخت‌ها را از جاد‌راورده است.

خاطرات کاغذی



رکسیو

مریم فلاح: قهرمان ماجراها، سگی سفید رنگ با لکه‌های قهوه‌ای روشن به‌اسم «رکسیو» بود. زندگی این سگ مهربان و عاقل خلاصه می‌شد در ظرف غذا، آنکه‌ای استخوان، یک لانه گرم و نرم و سپریچه‌ای که صاحبش بود و البته اتفاقاتی که در اطرافش می‌افتاد. کلی طنزای و نمک داشت، استخوانش را هزار تا سوراخ قایم می‌کرد. وقتی در حال فکر کردن بود آبروی سفید رنگ بالای سرش درست می‌شد و اگر فکرش به نتیجه نمی‌رسید پارس می‌کرد تا ابرها پراکنده شوند. اول کارتون یک مهر دستش بود و به ریتم موسیقی کارتون، یکسری نگیاتو را به تصویر خودش مهر می‌زد. در آخر هم می‌پرد تو حاشیه سبز نوشته‌های نیتراژ. وقتی هم که کارتون تمام شده و تصویر مثل فیلم‌های صامت جمع می‌شد، رکسیو از آن بیرون می‌پرد یا سعی می‌کرد

آن را بادست باز کند. این کارتون صامت که مخصوص گروه سنی خردسال بود برای پدر و مادرهای مان اصلا جذاب نبود. این کارتون لهستانی سال ۱۹۶۷ به کارگردانی مشترک یوزف چپریتیرا، ریشارد لیورا و لئوسواف مارشوک تولید شد.



فدرا را اسکن کنید